



بررسی جایگاه نظارت در بودجه های سنواتی کشور

در طی سالهای 85 و 86 و 87

تهیه و تنظیم: محمدآزادان

خرداد 87

مقدمه

ریشه کلمه بودجه در معنای لغوی در فرهنگ‌های مختلف و بخصوص فرانسه به معنای کیف است. در معنای علمی به نظریه اقتصاددانان بخصوص پس از کینز اشاره می‌شود که دخالت دولت در اقتصاد و پدیدآمدن نگرش‌های بودجه‌ای به معنای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده با استفاده از ابزار و سیاست‌های پولی و مالی تعریف شده است.

در معنای قانونی، در هر کشوری مبتنی بر چارچوب مقررات و قوانین اساسی کشورها تعیین می‌گردد و در قوانین جاری کشور ایران تاکنون چهار تعریف برای بودجه شده است که اولین تعریف در سال 1289 شمسی، دومین تعریف در 1312، سومین در 1349 و آخرین تعریف که ماده یک قانون محاسبات عمومی می‌باشد در سال 1366 ارائه شده است.⁽¹⁾

1289- بودجه دولت سندی است که معاملات دخل و خرج مملکتی برای مدت معینی در آن پیش‌بینی و تصویب می‌گردد. مدت مذکور را سنه مالی می‌گویند که عبارت است از یک سال شمسی.

1312- بودجه لایحه پیش‌بینی کلیه عواید و مخارج مملکتی برای مدت یک سال شمسی است که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است.

1349- بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تامین اعتبار و برآورد هزینه‌ها برای انجام عملیاتی است که منجر به وصول هدفهای دولت می‌شود و از سه قسمت تشکیل می‌گردد:

الف) بودجه عمومی دولت

ب) بودجه شرکت‌های دولتی و بانکها

ج) بودجه موسسات انتفاعی وابسته دولت

1366- (قانون محاسبات عمومی) بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه می‌گردد و حاوی پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تامین اعتبار و برآورد هزینه‌ها برای انجام عملیاتی بوده که منجر به نیل سیاستها و هدفهای قانونی می‌شود و از سه قسمت به شرح زیر تشکیل می‌گردد:

1) بودجه عمومی دولت، شامل اجزاء زیر:

الف) پیش‌بینی دریافتها و منابع تامین اعتبار که بطور مستقیم یا غیرمستقیم در سال مالی قانون بودجه به وسیله دستگاهها از طریق حسابهای خزانه داری کل اخذ می‌گردد.

ب) پیش‌بینی پرداختهایی که می‌تواند از محل درآمدهای عمومی و یا اختصاصی برای اعتبارات جاری و عمرانی و اختصاصی دستگاههای اجرایی در سال مالی مربوطه انجام دهد.

2) بودجه شرکت‌های دولتی و بانکها شامل پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تامین اعتبار

3) بودجه موسساتی که تحت عنوانی غیر از عناوین فوق در بودجه کل کشور منظور می‌شود

روش‌های بودجه‌ریزی^(۲)

الف) بودجه متداول

بودجه متداول یا سنتی بودجه‌ای است که در آن اعتبارات هر سازمان دولتی به تفکیک فصول و مواد هزینه مشخص می‌گردد. در این روش بودجه‌ریزی، نوع و ماهیت هزینه‌ها نشان داده می‌شود، ولی مشخص نمی‌گردد که هر هزینه‌ای برای نیل به کدام هدف و منظور یا اجرای کدام برنامه یا فعالیت خاصی انجام شده است.

یکی از علل اصلی استفاده گسترده از روش بودجه‌ریزی متداول در اکثر کشورها از جمله ایران، ارتباط نزدیک این روش با حسابداری دولتی و امکان اعمال کنترل بودجه مناسب در آن می‌باشد، زیرا در طبقه‌بندی اعتبارات بر حسب فصول و مواد، برای هر یک از انواع مخارج جاری و سرمایه‌ای، اعتباری معین تصویب می‌شود تا هزینه‌های مربوط به کالا و خدمات خریداری شده در سال اجرای بودجه در محدوده اعتبارات مصوب انجام شود، بدیهی است هر اندازه که اعتبارات مصوب به فصول و مواد هزینه بیشتری تقسیم شوند، به همان میزان انعطاف‌پذیری اجرای بودجه و اختیارات موسسات دولتی در مصرف اعتبارات کاهش خواهد یافت.

ب) بودجه برنامه‌ای

بودجه برنامه‌ای، بودجه‌ای است که در آن اعتبارات بر حسب وظایف، برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که سازمان دولتی در سال مالی اجرای بودجه برای نیل به اهداف خود باید انجام دهد، پیش‌بینی شده باشد. در این روش مانند بودجه متداول، از طبقه‌بندی اعتبارات بر حسب فصول و مواد هزینه استفاده می‌شود؛ با این تفاوت که در بودجه متداول، کل اعتبارات هر سازمان دولتی در فصول و مواد هزینه مختلف خلاصه می‌شود

در حالی که در بودجه برنامه‌ای، اعتبارات هر یک از برنامه‌ها و فعالیتها و طرحهای سازمان دولتی در قالب فصول و مواد هزینه پیش‌بینی می‌گردد.

کشورهایی که از این روش استفاده می‌کنند، بایستی طبقه بندیهای بودجه را عینا در حسابهای دولتی منعکس کنند بنابراین هر وزارتخانه یا موسسه دولتی باید:

(1) برنامه‌ها، فعالیتها و طرحهای مورد اجرا در آن سازمان را به تفکیک نشان دهد

(2) فصول و مواد هزینه در داخل طبقه‌بندیهای مذکور نشان داده شود.

ج) بودجه عملیاتی

در بودجه عملیاتی علاوه بر تفکیک اعتبارات به وظایف، برنامه‌ها، فعالیتها و طرحها، حجم عملیات و هزینه‌های اجرای عملیات دولت و دستگاههای دولتی، طبق روشهای علمی مانند حسابداری، قیمت تمام شده محاسبه و اندازه‌گیری می‌شود.

در بودجه عملیاتی، منابع مالی بکاررفته در برنامه‌ها و عملیات، با خدمات و کالاهای تولیدشده و محصول نهایی در هر یک از واحدهای سازمانی که مسئول اجرای عملیات و وظایف دولت می‌باشند، ارتباط داده می‌شود. هماهنگی و یکنواختی طبقه بندیهای بودجه‌ای و حسابداری و تطبیق آنها با ترکیب سازمانی دستگاههای دولتی از یک طرف و ارتباط وظایف برنامه‌ریزی بودجه‌ریزی و حسابداری دولتی از طرف دیگر نیز از ضروریات بودجه عملیاتی و ایجاد اطلاعات کافی برای مدیریت منابع و وجوه عمومی می‌باشد.

د) بودجه بر مبنای صفر

سیستم بودجه‌ریزی بر مبنای صفر از سال 1970 در آمریکا به کنگره پیشنهاد شد. در این روش بودجه‌ریزی تاکید بر رعایت تناسب حجم عملیات دستگاهها و موسسات دولتی با وظایف محول شده به آنها می‌باشد و در واقع یک نوآوری در امر مدیریت اداری ارگانهای دولتی و نیز مکملی بر سیستم (P.P.B.S) بودجه‌ریزی برنامه‌ای - عملیاتی (می‌باشد. در بودجه‌ریزی بر مبنای صفر هدف این نیست که تمام عملیات از نو مورد

بررسی و بازنگری قرارگیرد، بلکه معیار، عملکرد سال قبل و میزان جذب اعتبارات سال گذشته را منسوخ می‌شمارد، کنترل هزینه‌های عمومی و مسئولیتها را توأم با اختیارات به واحدهای تصمیم‌گیری واگذار می‌کند و حرکت بودجه نویسی از پایین‌ترین سطح هرم، حرکت و در هر یک از رده‌های تصمیم‌گیری مورد بازنگری و تعدیل قرار می‌گیرد تا در نهایت در راس هرم بودجه نهایی می‌گردد.

مشخصات اصلی بودجه‌ریزی بر مبنای صفر عبارتند از:

الف - تشخیص واحدهای تصمیم‌گیری

ب - تجزیه و تحلیل واحدهای تصمیم‌گیری و تنظیم قالبهای تصمیم‌گیری

ج - طبقه بندی

بودجه‌ریزی یک کشور با پیچیدگی‌ها و مسائل مربوط به خود مواجه است و نیازمند به یک سری قواعد، چارچوبها و فنون مربوطه می‌باشد. تاثیرات بودجه‌ریزی را به شرح زیر برمی‌شمارند:

1- استفاده مطلوبتر از امکانات و افزایش کارآیی در بهره‌برداری از آنها.

2- انتخاب بهترین و باصرفه‌ترین راه برای انجام برنامه‌ها.

3- شفاف‌سازی در ارائه گزارشهای مدون مالی عملیاتی و اطلاع مردم از عملکرد کارگزاران و مسئولین اجرایی و جلب همکاری و مشارکت بیشتر آنها در پیشبرد اهداف توسعه ملی.

4- مهمترین ابزار دولت در دخالت در اقتصاد به شمار می‌رود و ابزاری است برای ایجاد تعادل در اقتصاد.

5- عامل ایجاد هماهنگی بین برنامه‌های مختلف در امور فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بشمار می‌رود.

6- امکان نظارت بر عملکرد دولت را برای دستگاههای ناظر ذیربط فراهم می‌نماید.

کارآمدی نظارت نظام بودجه ریزی

براساس ماده 1 قانون محاسبات عمومی کشور، بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تامین اعتبار و برآورد هزینه برای انجام عملیاتی که منجر به نیل به اهداف و سیاست‌های قانونی می‌شود، بوده و از سه قسمت بودجه عمومی دولت (پیش‌بینی دریافتها و منابع تامین اعتبار و پیش‌بینی پرداخت‌ها)، بودجه شرکت‌های دولتی و بانکها و بودجه سایر موسسات تشکیل می‌شود.

بدین ترتیب نظام بودجه‌ریزی کشور در پیش‌بینی و تامین اعتبار و واگذاری آن به دستگاههای اجرایی برای انجام یکسری فعاليتها خلاصه می‌شود و در نتیجه بودجه دستگاهها و بودجه کل کشور در قالب مواد هزینه، تنظیم و به عنوان سند دولت تهیه می‌گردد. در این حالت چنانچه نظارتی از سوی دستگاههای ناظر اعمال شود، در درجه نخست معطوف به عملکرد مالی دستگاه هاست تا اطمینان حاصل شود که وجوه متعلق به دستگاهها در موارد پیش‌بینی شده هزینه گردیده و در چارچوب قوانین و مقررات به مصرف رسیده باشد. بدون تردید نظارت بر عملکرد مالی دستگاهها با هدف اجرای صحیح قوانین امری لازم و ضروری است. برای جامه عمل پوشاندن به این ضرورت، اعمال نظارت‌های درون و برون سازمانی از طریق نظارتهایی که ذی‌حساب دستگاه اعمال می‌نماید و یا نظارتهایی که دستگاههای متولی نظارت نظیر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات بکار می‌بندند، روشی است که تاکنون در نظام بودجه‌ای کشور محقق می‌گردد، اما همگام با بروز تحولات چشمگیر در نظام اداره کشور، سامانه بودجه‌ریزی نیز تحول یافته به نحوی که بودجه‌ریزی نه تنها به پیش‌بینی درآمدها و هزینه و نظام مالی - عملیاتی دولت محدود و منحصر نمی‌شود، بلکه از مرز وسیله‌ای برای بهبود مدیریت نیز فراتر رفته و بر اهمیت نقش آن در

برنامه‌ریزی و تحقق برنامه‌ها، تاکید شده است. چنین رویکردی همان بودجه برنامه‌ای است. اصطلاحی که طی سالهای اخیر، به دفعات بکار برده می‌شود، اما در عمل هنوز اتفاقی رخ نداده است. بودجه برنامه‌ای بیش از هر چیز به کارایی فعالیت‌ها و اثربخشی آنها توجه دارد، به این معنا که صرف نظر از رعایت قوانین و مقررات در نحوه هزینه کردن اعتبارات، کانون توجه به ستانده‌ها و میزان تحقق اهداف پیش‌بینی شده است.

در ساختار فعلی بودجه، سهم نظارت (درون یا برون سازمانی) هرچه باشد، فقط اجرای صحیح قوانین و نهایتاً حسن جریان امور را کنترل می‌نماید و حیطة نظارت و کنترل در این ساختار، به میزان کارایی و اثربخشی متعرض نمی‌گردد. به عبارت دیگر نظارت کارآمد وابسته به نظام و سامانه بودجه‌ریزی در کشور است و تا زمانی که بودجه‌ریزی بر مبنای بودجه برنامه‌ای تدوین نگردد، کارآمدی نظارت نیز با موانع جدی مواجه خواهد بود.

سهم نظارت

الف - نظارت برون دستگاهی

سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات نهادهای قوه قضاییه و قوه مقننه می‌باشند که مأموریت اصلی آنها نظارت بر سایر دستگاه‌ها است. (اصول 55 و 174) طبق اصل 174، سازمان بازرسی کل کشور وظیفه نظارت بر اجرای صحیح قوانین و حسن اجرای امور را برعهده داشته و مطابق اصل 55، دیوان محاسبات رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد.

سازمان بازرسی کل کشور با عنوان برنامه بازرسی و نظارت قضایی و دیوان محاسبات با عنوان برنامه نظارت بر امور مالی دولت وظیفه خود را محقق می‌سازند. صرفنظر از اعتبارات عمرانی و اعتبارات مربوط به برنامه‌های بیمه و... اعتبار این دو دستگاه طی سالهای 86 تا 87 در چارچوب برنامه نظارتی به شرح زیر است:

ارقام به هزار ریال			سازمان بازرسی کل کشور
1387	1386	1385	
465535000	163969000	95327000	برنامه 10406 (بازرسی و نظارت قضایی)

ارقام به هزار ریال			دیوان محاسبات
1387	1386	1385	
305892000	262439000	234789000	برنامه 10803 (نظارت بر امور مالی دولت)

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نیز بخشی از وظایف آن مربوط به نظارت بر سایر دستگاهها است. مطابق ماده 5 قانون برنامه و بودجه از میان 9 وظیفه مدون این سازمان دو وظیفه به امر نظارت اختصاص یافته است که عبارتند از:

نظارت و ارزیابی مستمر برنامه‌ها

برنامه ریزی و تنظیم برنامه مالی

در میان ردیف برنامه‌های متعدد این سازمان، دو ردیف برنامه 1- نظارت 2- برنامه‌ریزی و تنظیم برنامه مالی به امر نظارت اختصاص یافته است. وضعیت اعتبار برنامه‌های مذکور طی سالهای 85 تا 87 به شرح زیر است:

ارقام به هزار ریال			سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
1387	1386	1385	
66024000	77922000	87442000	برنامه 10423 (نظارت)
15846000	89042000	76111000	برنامه 10433 (برنامه‌ریزی و تنظیم برنامه مالی)

81870000	166964000	163553000	جمع
----------	-----------	-----------	-----

مجموع اعتبارات برنامه‌های نظارتی سه دستگاه اصلی نظارتی کشور طی سالهای 80 تا 82 به قرار زیر است:

ارقام به هزار ریال		
میزان رشد نسبت به سال قبل	اعتبار برنامه	سال
-	493669000	1385
20 درصد	593372000	1386
43/8 درصد	853297000	1387

بودجه عمومی دولت طی سالهای مورد بررسی با احتساب بودجه جاری، عمرانی و شرکت‌های دولتی بدین

قرار است:

ارقام به هزار ریال		
		سال 1385
587596764000	منابع بودجه عمومی	
1372837678000	بودجه شرکت‌ها	
1960434442000	جمع	

691827731000	منابع بودجه عمومی	سال 1386
1677065389000	بودجه شرکت‌ها، بانکهاو..	
2368893120000	جمع	

939122762000	منابع بودجه عمومی	سال 1387
2032025361000	بودجه شرکت‌ها، بانکهاو..	
2971148123000	جمع	

نسبت اعتبار برنامه‌های نظارتی سه دستگاه سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به بودجه کل کشور طی سالهای 85 تا 87 به شرح زیر می‌باشد:

سال	بدون احتساب شرکت‌های دولتی	با احتساب شرکت‌های دولتی
1385	0/084 درصد	0/025 درصد
1386	0/086 درصد	0/025 درصد
1387	0/091 درصد	0/029 درصد

همانطور که ملاحظه می‌شود به‌رغم رشد بودجه، ردیف برنامه‌های نظارتی سه دستگاه اصلی نظارتی کشور، اعتبار برنامه نظارتی برون دستگاهی نسبت به بودجه کل کشور روند تقریباً "ثابتی" داشته است.

شاخص‌های تعیین بودجه دستگاههای نظارتی

ساختار بودجه سنواتی که به عنوان قانون و سند ملی ارایه می‌گردد، دربردارنده ردیف‌های هزینه‌ای و برنامه‌ای است، براساس سیاست‌های موردنظر در بودجه‌ریزی طی سال‌های قبل از 87، دستگاههای نظارتی مکلف بوده‌اند، 47 دستگاه با حدود 890 زیرمجموعه و ردیف هزینه‌ای و بالغ بر 3600 ردیف برنامه را طی یکسال مورد نظارت و بازرسی قرار دهند و این مجموعه بدون درنظر گرفتن شرکت‌های دولتی است.⁽³⁾

حال این پرسش مطرح می‌گردد که دستگاههای نظارتی با برخورداری از متوسط 0/087 درصد بودجه عمومی دولت که درصورت محاسبه شرکت‌های دولتی به حدود 0/026 درصد کاهش می‌یابد و در مواجهه

با حدود 642 ردیف هزینه و 3600 ردیف برنامه که گویای تنوع فعالیت دستگاهها است، چگونه می‌تواند نظارتی کارآمد و موثر اعمال نمایند .

با توجه به نظام بودجه‌ریزی کشور، بودجه دستگاههای نظارتی براساس شاخص‌هایی نظیر نیروی انسانی، امکانات و تجهیزات پیش‌بینی و ... تعیین می‌گردد و ارتباط منطقی بین بودجه دستگاههای ناظر و حجم فعالیت، تعداد پروژه‌ها و ردیف‌های برنامه‌ای دستگاهها وجود ندارد، زیرا همانطور که ملاحظه گردید به‌رغم افزایش بودجه دولت طی سالهای 85 تا 87، بودجه نظارتی دستگاههای ناظر افزایش مناسبی نیافته است. هرچند اساساً "شاخصی برای این منظور تعریف نشده است. به عبارت دیگر سهم نظارت در عملکردها، پروژه‌ها و برنامه‌ها نامشخص و مبهم است.

ب - نظارت درون دستگاهی

در پیوست‌های قانون بودجه سنواتی سالهای 85 و 86 و 87 برخی از دستگاههای اجرایی دارای برنامه نظارتی بر امور خاص می‌باشند. دستگاههایی که برنامه نظارتی دارند عبارتند از:

عنوان دستگاه	عنوان برنامه
نهاد ریاست جمهوری	نظارت عالی بر امور دستگاههای اجرایی
مجمع تشخیص مصلحت نظام	نظارت بر سیاستهای کلی نظام
شورای نظارت بر صداوسیما	نظارت و ارزشیابی
مجلس شورای اسلامی	نظارت
شورای نگهبان	نظارت
سازمان اوقاف و امور خیریه	نظارت و اداره موقوفات کشور - نظارت و اداره امور بقاع و اماکن مذهبی - ساماندهی و نظارت بر امور خیریه
سازمان تبلیغات اسلامی	نظارت و حمایت از چاپ و نشر معارف قران
دبیرخانه شورای آموزش و پرورش	نظارت و ارزشیابی

موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران	نظارت بر اجرای استاندارد
وزارت امور اقتصادی و دارایی	نظارت بر امور مالی دولت - نظارت بر امور بانکی و بیمه شرکت‌های دولتی

اعتبارات دستگاههای فوق از محل اجرای برنامه‌های نظارتی طی سالهای مورد بررسی به قرار زیر است:

نام دستگاه	1385	1386	1387
وزارت امور اقتصادی و دارایی	47598000	48650000	51416000
نهاد ریاست جمهوری	136993000	125155000	124276000
مجمع تشخیص مصلحت	-	48495000	47213000
شورای نظارت بر صداوسیما	1479000	50000000	-
مجلس شورای اسلامی	5485000	5405000	4000000
شورای نگهبان	105600000	104060000	94336000
سازمان اوقاف و امور خیریه	42650000	47018000	61596000
دبیرخانه شورای آموزش و پرورش	-	3100000	3100000
موسسه استاندارد و تحقیقات	88113000	77094000	76511000
سازمان تبلیغات اسلامی	13300000	15400000	11500000
جمع	441218000	524377000	473948000

براساس ارقام مندرج در قانون بودجه سالهای مورد بررسی، اعتبار برنامه‌های نظارتی دستگاههای مزبور در سال 87 نسبت به سال 85 به میزان 7/4 درصد افزایش یافته است. در شرایطی که بودجه کل کشور در سال 87 نسبت به سال 85 حدود 51/5 درصد افزایش داشته است .

همانطور که ملاحظه می‌شود:

برخی وزارتخانه‌ها و سازمانها و موسسات، برنامه نظارتی مشخص و تعریف شده‌ای دارند ولی اغلب دستگاهها فاقد آن می‌باشند. با افزودن اعتبار نظارتی سایر دستگاهها به اعتبارات دستگاههای اصلی امر نظارت ملاحظه می‌شود که اعتبارات بخش نظارت در طی سالهای 85 و 86 و 87 بدون در نظر گرفتن بودجه شرکتها به ترتیب 0/16 و 0/16 و 0/14 درصد بوده است و در سال 87 کاهش نیز داشته است.

در خاتمه مقاله خود را با طرح پرسش‌های زیر به پایان می‌برم:

آیا بودجه دستگاههای ناظر براساس معیارهای مشخص تعیین می‌گردد و آیا این معیارها را باید در

دستگاههای ناظر جستجو نمود یا دستگاههای نظارت شونده؟

اگر نظارت تابعی از حجم فعالیتها، برنامه‌ها و پروژه‌ها است، در این صورت چرا با افزایش بودجه کل کشور

که نمایانگر افزایش فعالیتها و پروژه‌ها می‌باشد به همان نسبت بودجه دستگاههای ناظر افزایش نیافته است؟

آیا سیاست نظام بر تقویت نظارتهای برون دستگاهی است یا درون دستگاهی؟ و در صورت اتخاذ هر یک از

این سیاستها چه اقدامی برای تحقق آن در بودجه سالانه منظور شده است؟

با توجه به وظایف مصوب در قانون اساسی برای سازمان بازرسی کل کشور که عبارت است از نظارت بر

اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور، چرا ردیف برنامه نظارتی سازمان به نظارت و بازرسی قضایی

اختصاص یافته است؟ آیا قید «قضایی» محدودیت برای نظارت بازرسی سازمان ایجاد نمی‌کند و آیا این امر

برای کارآمدی نظارت سازمان مانع جدی تلقی نمی‌گردد؟

چرا فقط تعدادی از دستگاههای اجرایی از برنامه نظارتی مشخص برخوردارند؟ و سایر دستگاههای اجرایی

فاقد چنین برنامه‌هایی هستند؟ آیا فقط این دستگاهها وظیفه نظارتی دارند یا هر سازمانی وظیفه کنترل و

نظارت دارد؟ براساس چه شاخص‌ها و معیارهایی به این دستگاهها اعتبار ویژه نظارت اختصاص داده شده

است؟

منابع و ماخذ:

- 1- قوانین بودجه سنواتی کل کشور سالهای 85 و 86 و 87
- 2- سازمان برنامه و بودجه - مجموعه قوانین و مقررات برنامه و بودجه - تهران 1378
- 3- سازمان برنامه و بودجه - مروری بر چگونگی نظارت بر بودجه ایران - تهران - موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی - 1369
- 4- فرزيب، عليرضا - بودجه‌ريزي دولتي در ايران - تهران - مركز آموزش مديريت دولتي - 1375
- 5- بابايي، حسن - بودجه‌ريزي در ايران از نظريه تا سياست - تهران - شركت چاپ و نشر بازرگاني 1379
- 6- باباخاني، جعفر اقوامي، داود - اصول و کاربرد حسابداری در سازمانهای دولتی و غیرانتفاعی - سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها - تهران - 1366
- 7- صراف، فریدون - بودجه‌ريزي دولتي و نظام بودجه‌ای ايران - تهران - مدرسه عالی بازرگانی - 1354
- 8- مجلس و پژوهش - بودجه‌ريزي در ايران - 1381
- 9- سازمان برنامه و بودجه - مروری بر چگونگی نظارت بر بودجه ایران - تهران - موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی - 1369
- 10- ابراهيم نژاد، مهدی و فرج وند، اسفنديار - بودجه از تنظيم تا کنترل - تهران - سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها - 1380